

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 هیراز روزهای جمعه همه روزه
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
 سایر بلاد داخله ۳۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران صد دینار
 سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
 دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامقضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

شنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۹ شهریور ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۷ اسبتمبر ۱۹۰۷ میلادی

سیاسی

(تابع مطالب سابقه)

این دو بانک که امروزه مارا درمیانه آب و گل گردان ساخته اند بطایف الحیل در این سنین اواخر طوری ثروت مارا جذب و جلب نمودند که حالیه بعد از بیداری همه درهای چاره را بروی خود مسدود می بینیم درست است که تجارت در همه دنیا باید آزاد باشد واحداث بانکهای متعدده از برای گردش چرخ معاملات وتجارات حکم هوه چندین امپ را دارد ولی شرط عمده بیداری اهالی است که اگر بانک از یکجانبی از آنها فائده ببرد آنها نیز در مقابل از او فائده عاید کنند به علاوه در مقابل مانیز بانک داشته باشیم که ثروت خارجی را جذب کند — بانک شاهنشاهی بواسطه يك مشت کاغذها ثروت یعنی طلای مملکت را بکلی از دست ما خارج و بخارجه حمل کرد و امروز علی التحقیق میتوانیم بگوئیم در تمام ایران قدر بیست ملیون طلا وجود نیست چو طلا در دست مان رقت خیلی را اعتبار ماکامه شد اگر در اندفراض اولیه لااقل نصف پول را طلا گرفته و يك بانک دائر کرده بودند تا امروز ار این دو بانک مستغنی بودیم و بانک داخلی ماناکنون ثروت یعنی سرمایه خود را دو مقابل کرده و نه برابر اعتبار از برای خود تحصیل نموده بود در سه امور از هم کسب نمیکردند و دولت برای حرکت دو سه فوج اینطور بیچاره نمیشد — ارباب فن ثروت میدادند که فراوانی نقره چه کار ها کرد و دول اروپا از برای جلوگیری از ضرر آن چه تدبیرها اندیشیدن و باز هم بعضی از ملل متحمل خسارات زیاد گردیدند و ما یکسره از این معنی غفلت ورزیده از

گردی و خوش سکه بودن قرانها و دو هزارها چون اطفال حواس خود را باختیم و اولیاء دولت خصوص دورامین السلطان میزان اعتدال را از دست دادند یعنی در موقمی که هر ما مرغوب شده و دول دنیا اگر يك تومان نقره لازم دارند تنها پنج قران سکه میکنند اینها يك تومان را پنج تومان سکه کرده فراوانی قران هره و معدوم شدن طلا شیرازه ملیت را قریب الا تفصل نمود — خوب است نظری در این ماده بسایر ملل بکنیم و از اعمال آنها سرعشق بر داریم مثلاً بانک عثمانی که در مصر دائر شده و جو هات از مردم قبول کرده در (صندوق توفیر) میگذارد و از برای قبول کردن وجوهات شرائطی مقرر کرده یکی از آن شروط اینست که پول نقره را قبول نمیکند مگر در صورتیکه کسری از پول طلا باشد مثلاً هفتاد قران پول نمیکرد مگر اینکه يك لیره و بیست قران باشد یعنی قسمت عمده اش طلا و کسرش نقره باشد . بیست قران را وقتی بر میدارد که يك اشرفی هیجده قرانی طلا و دو هزار نقره باشد اما اگر همه قران نقره باشد ممکن نیست او را قبول کند علت این امتناع معتبر نبودن قیمت نقره است و در هیچ جا مکروکات نقره قابل اعتبار نیست یعنی این پول نقره مثلاً در مصر این قیمت را دارد اگر بجائی دیگر حمل شود دارای این قیمت نخواهد بود — کلیه از سی و هفت سال قبل تاکنون متزل فاحش کرده و بدین سبب مردم بیدار را بوحشت انداخته بود که حتی الامکان قبول نمیکردند چنانکه قیمت پولهای نقره در انگلستان قریب بر بیع متزل کرد مثلاً یکسکو مان پول نقره اش بهشت قران و ده شاهی و جدید بعد فی الجمله ترفی نمود

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(یکشنبه ۶ شهر شعبان)

جناب رئیس اظہار داشتند کہ دیروز عصری در باب اقدامات سر حدی و غیرہ با ہیئت وزرا در منزل وزیر داخلہ تا ساعت پنج از شہر قہرہ مذاکرات زیاد شدہ بعضی از سردارہا و وزیر دربار ہم بودند و خلاصہ مذاکرات مجلس دیروز ہم در این خصوص گفتہ شد بالاخرہ نامہ وزرا حاضر شد کہ مذاکرات خودشان را بطور مستوفی در این باب نموده امروز بروند در تلسکرافخانہ از شہزادہ فرمانفرما و حکومت ساوجبلاغ و ارمیہ اطلاعات جدیدہ از وضع حرکات عساکر عثمانی حاصل نمایند انوقت ہر طوریکہ باید اقدام نمایند نتیجہ را امروز عصر یا اگر نشد فردا صبح بیابند در مجلس بگویند گفتہ شد کہ باز ہم نخواہند اقدام کرد و بسامعہ خواہند گذرانند در باب نان مذاکرہ شد کہ از مجلس دیروز نتیجہ بدست نیامد چون تمام و کلاہ حاضر نبودند گفتہ شد چون برای اصلاح این عمل کمیسیون مرکب از چند نفر در سابق معین شدہ بود باین واسطہ بعضی کہ داخل نبودند نیامدند قرار شد تا این ہفتہ عمل نان را اصلاح نمایند

چند فصلی از قانون اساسی قرائت شد چون نسخہ صحیح حاضر نبود قرار آن بیروز شد شبہ شد در خصوص ایجاد بانک و تشکیل آن مذاکرہ زیاد شد بعضی اظہار داشتند کہ تمویق این مطلب بواسطہ اختلاط فرض دولت از بانک و تشکیل آن و آمدن عایدات دولتی در او شدہ بعضی دیگر اظہار داشتند کہ بجهت تغییر فصول امتیازنامہ بانک است بعضی دیگر گفتند بجهت عدم امنیت است بعضی گفتند کہ از طرفی ملت ہمت و ہیجان لازم است همانطوریکہ از اول راضی و حریص باین امر بودند تا ہمہ کمی از وزرا و امرا و علما و رعایا ندانند کہ حیات و بقای این مملکت بستہ باینک است و اگر بانک باشد مملکت نیست و یک حرارت طبیعی در ہمہ پیدا نشود بانک تشکیل نخواہد شد و بانک نباید مملکت نیست پس از مذاکرات زیاد قرار شد کہ آن امتیاز نامہ و قرار نامہ بانک با آن تغییراتی کہ دادہ شدہ ملاحظہ شود و آنچه لازمہ امروزہ است نوشتہ شود و زودتر بانک ملی تشکیل شود ہیئت از وکلاء کہ دیروز بمنوان تضریت و ضمناً برای معاینہ مرض مرحوم مشیر الدولہ رفتہ بودند راپوت آن معاینہ قرائت شد کہ آنچه معلوم شد اصل مرض خناق صدری بودہ و بمرض قلبی فوت شد و ابدأ جای سؤالی نبودہ

لایحہ از انجمن اتحادیہ اصناف قرائت شد کہ

لکن دیگر قیمت اولی را پیدا نکرد در ایران قریب بنصف تنزل نمود چنانکہ دہ قران را معاوضہ بایک اشرفی طلا میکردند بدیست قران قمرہ معاذلہ بایک اشرفی سکرید و حالہ ہیجده قران و سکری یک اشرفی محسوب میشود — و بدین سبب در ہمہ ممالک عالم قمرہ را از مقیاس قدیم بودن خارج کردہ مقیاس را طلا قرار دادند زیرا چیزیکہ ہر روز در ترقی و تنزل است ممکن نیست مقیاس ممالک باشد اما بد بختانہ در ایران ابدأ بدین نکات مانفتہ نشدہ در مقام استعراض عاشق قرانہای تازه سکہ بودند بانک شامی شمش قمرہ میآورد و در عوض بار بار طلا میبرد اساس تجارت بقدری مختل شد کہ تجار یکبارہ باخوان و پریشان روزگار شدند بیچارہ پول قمرہ از اینجا بر داشتہ بروسیہ و فرنگ برای خرید میرفت در انجانبہ قیمت بدو عاید نمیکردید قہراً راہ تجارت با خارجہ سدود شد یعنی برای تجار داخلہ صرفی نمیکرد اما تجار خارجہ عرصہ را خالی یافتہ ہمہ امور را بخود منحصر کردند در سنی سال قبل دولت متحدہ آلمان قمرہای زیادی خود را فروخت و قیمت آنها بیست و ہشت میلیون و سیصد ہزار لیرہ گردید کہ تقریباً سیصد کرور پول ایران باشد این نیز یکسببی برای تنزل قیمت قمرہ گردید تنزل فاحشی کہ اسباب خوبی ہمہ تجار دول گردید باینکہ این مقدار فوق زیادی از قدر لزوم بود و اقتدریکہ نگاه داشت بحسب سرعتماری از برای ہر یک نفر آدم قریب

سہ تومان پول قمرہ در تمام ممالک آلمان بود — چهار دولت کہ داخل در اتحاد لائینی بودند یعنی فرانکہ و بلژیک و ایتالیا و سویس در چہار سال یعنی از ۱۸۷۳ تا سال ۱۸۷۸ از سکہ زدن قمرہ در ممالک خود منع نمودہ قدغن کردند دبتاری قمرہ پول نشود تا ابداً پولہای موجود قمرہ را تنزل قیمت حاصل شود این کار آلمان را بطمع انداختہ پولہای قمرہ را نگاه داشت کہ شاید ترقی پیدا نماید لکن نتیجہ بکس شد و مبلغی زیاد ضرر برد بجهت آنکہ در ان ایام قیمت قمرہ پنجاہ و یک بود و بعد از ہشت سال کہ قمرہ را احتکار کرد چہل و چہار تنزل نمود و تقریباً یک سبب کسر پیدا کرد — علت ہمہ اینہا زیادی استخراج قمرہ در مسادن ارض بود چنانکہ در عرض ہش سال یکصد و شاتر دہ میلیون لیرہ قمرہ از معدن دنیا استخراج شد کہ از یکہزار سکر اور افزون است و اروپائیان مجبور شدہ قسمتی ازین وجوہ را بہندہ سایر ممالک مشرق زمین فرستادند و آن بیچارگان غالب ازین ثروت بخصن قبول تلقی کردہ اجناس و لختہ خود را در عوض بھانہا دادند (چہیہ دارد)

خواستگار سه امر بودند اول تدارك قوت و قوت به ماوریت یکنفر سردار برای سرحد آذر بایجان دویم کمیونی از وزرا و وکلا و بعضی از اشخاص عالمات برای تشکیل بانک ملی سیم خواستن باقی مانده از وکلا از دار الخلاله و ولایات

صورت رابو رتی از دفتر مجلس از باقی مانده وکلا از ولایات و دار الخلاله که چند نفر به قانون نظامنامه انتخابات باقی است قرائت شد

لایحه از جناب مؤتمن الملك قرائت شد که در خلاصه مذاکرات مجلس دیروز در روزنامه جبل المتین یومیه مضمون تلفونی که از طرف بنده در جواب تلفون مجلس حرج شده بود اشتباه شده و از طرف بنده ابدأ اظهاری نشد که وکلا بیایند تحقیق کنند و اینکه نوشته شده بود مرحوم مشیرالدوله از دربار مراجعت کرده ابدأ آنروز را بدر بار نرفته بودند خوبت این مطالب را در روزنامه مجلس و روزنامه یومیه جبل المتین تکذیب نمایند کفه عدل که باید تکذیب شود و از روی اشتباه وسهو شده است

(فاجعه دلسوز قازا بلائقه)

(ترجمه ی . ق . از مجموعه فیوضات منطبه)

پادکوبه نمره ۲۴)

در این روزها هیچ لازم نیست آدم به تماشاخانهها و تئاترها برود هر صفحه روزنامه را باز کند و بخاند یک تیتری است چون الان در صحن عالم يك فاجعه بروی اتفاق افتاده که حلی از تماشا نیست این فاجعه کهنه است اسمش فاجعه اندلس است پرده اول این فاجعه در سال ۸۹۸ هجری در غرناطه به صحن تماشا گذشته عد ولی پرده دومش از آنوقت تا حل مانده در این روزها به موقع تماشا گذاشته شد این فاجعه از طرف فرنگیها که در همه امور راجع باسلام متفقاً کار کرده و میکنند از کنفرانس (الجزیره) شروع کرده در قصبه قازا بلائقه تا حال دوام دارد ولی در زمان وقوع هر دو این پرده چه قدر فرق عظیم است در آنزمانیکه عبدالله صغیر از اولاد بی احمد در دعوی فردیناند مغلوب شد و مسلمانهای آن سامان با انواع و اقسام اذیت ها و شکنجه ها از شبه جزیره اسپانیول طرد و اخراج شدند و مسجدهای این بیچارها مبدل به کلیسا و بیوض هلال در مساجد حلیب گذاشتند مسلمانهای شبه جزیره بالفان یعنی عثمانیها تلافی مانات کرده توسیع ممالک نموده تاشهر ویا که الان پای تخت اطریش است میرفتند و در همه جا کلیساها را به مساجد مبدل میساختند و هلال تازه روی آنها نصب می نمودند در آنوقت اندلسی با سایر ممالک اسلام در اتصال

و ارتباط بود و شکایتهای خود را به اسم اسلامیت میرسانند ولی الان ۱۹۰۰ . . . حال ساحل حکومت مغرب قصر که وارث دولت اندلس است و شهر قازا بلائقه و همه اهالی مسلمان این شهر را از زن و مرد و بچه و طفل غیر خواره فرانسها با اسپانیول ها متفق شده با انواع و اقسام مظالم و حشیانه باتوپ و نارنجک های آتشین میکشند و در این بیر دو دولت باقی مانده مسلمان دنیا که عبارت از ایران و عثمانی باشد خود را مشغول منازعه سرحد نموده ششصد کرور مسلمانهای روی زمین را از خود میرنجانند ! گر چه در زمان فاجعه اندلس هم در سال ۸۹۸ هجری این دو دولت با یکدیگر منازعه حدود داشتند ولی شاه اسماعیل سلطان سلیم کار را زود فیصل داده با شمشیر خود رعب در اندام فرنگیها میانداختند

امروز جمیع تلگرافها که دایر بر واقعه قازا بلائقه است از منابع دهمر میاید که جراند اسلام در مغرب اقصی مخبری دارند و نه انجور اشخاصی هست که فریاد و شکایات اعراب قازا بلائقه را بشنوند و ترجم بحل آن خانه ویرانها یکنند این حکومت بیچاره اسلامی از عالم اسلام تماماً جدا شده بحال جزیره افتاده است این مملکت را از علم سه دریای عظیم مختلف العناصر جدا نموده از این دریاها یکی بحر محیط اطلس است و دریای دیگری بحر سفید که دولت مغرب اقصی در این دریاها نه يك کشتی جنگی بلکه يك کشتی بادی هم ندارد دومی صحرای کبیر آفریقا است که پر از ریک و خیلی صعب المرور است سیمی ایالت تونس و فبرابر است که موج زن شدید استیلای فرنگها شده مربوط بخاک مغرب اقصی است بی شبهه اهالی ممالکتی که این جور از عالم و عالم اسلامیت تفریق وجدا شده اند از احوال حقیقت خود و از حقوق خود ماها را نمیتوانند خبر دار بکنند اگر بعد از اقراض دولت اندلس این بیچاره ها در اجزا استقلال خود را محافظت نموده اند در سایه شجاعت و جنگ آوری خود محافظت کرده اند بفلاکتی که امروز اهالی قازا بلائقه و دولت مغرب اقصی دوچار شده اند یکدفعه ظهور نکرده بلکه زوقتی که عربهای اسپانیول و پرتغال طرد شده مجبور با تخلیه وطن عزیز خود کشند ظهور نموده و باتدنیات تدریجیه حاضر شده است و این تدینات از آنروزی شروع شد که اعراب اندلس بغیر علم ادیان آشنائی ب علم دیگر نداشتند و نکردند و بهیراز ملا و شریف عالم حقیقی را نخواستند بشناسند مثلاً کتابها تیکه در زمان این رعید نوشته بود رفته رفته از میان بلقود شده تمام ترجمه برخی از آنها در زبان لاتین و ایتالیایی باقی ماند اعراب اندلس تنها اعمال از علم و معارف تمودیدند

پاتردهم است) نفوس مدرب اقصی قریب بیست کرور
 وهمه مسلمان ومذهب ایشان مالکی است .
 اگر در اهالی ممالک اسلام غیرت وخون اسلامیت
 هست اظهار نفرت بدرنگیها نموده و ابراز محبت باین
 برادران دینی خود بکنند و بفلاکت زدگان سازابلانده
 اعانه جمع کنند نظر دقت مسلمانهای غیور را بحال این
 خانه ویرانها و خانمان سوزها نموده خواهش داریم که
 عجله در جمع کردن اعانه نمایند و مسامحه در این
 کار نکنند . . .

(راپرت)

تا صبح پنجشنبه ۲۶ رجب امیر عباس آقا
 معلوم نبود و بلکه شهرت داشت که بدون غسل و کفن
 زیر خاک کرده اند از غیوران ملت اولین کسیکه نتوانست
 این خلافی شرع و بی شرفی را تحمل نماید فدائی
 ملت قاضی مدیر مدرسه امید قزوین و برادر امیرزاده
 علی اکبر بودیم که از صبح تا دو ساعت بدروب مانده
 از اداره نظمی و غیره با کمال دقت امیر انجوان را بدست
 آورده و همان روز از مال خودم بدون اشتراک احدی
 بنا و آجر و کچ حاضر نموده و قبر مزبور را بهم چیده و
 علامت گذاشته و بانجمن محترم مرکزی خدمت خود را
 عرض کردم

(اعلان)

د کتر استپانین حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت
 همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام
 کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول
 می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید بطرز بسیار
 امریکائی وهمه روزه صبح از ساعت هشت الی دوازده و ترکی و بعد از
 ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض
 برای رجوع کنندگان حاضر است

(اعلان)

(علم عکاسی جدید)

کتابی است مفصل که با کمال دقت با قرائت خیلی
 سهل تمام مطالب جدید و نو ظهور عکاسی را شرح
 میدهد تالیف کار نیک خان دالگیجیان هوا ساز رو بروی
 تلکرافخانه مبارکه قیمت جدی پنج هزار دینار است اگر
 از ولایات هم خواسته شود با اجرت پست باید ارسال شود

اعلان

کتاب (مارکو فرانسه و فارسی) (شمس طالع)
 (و نخست نامه) از ترجمه و تالیفات ماطه ووس خان
 ملیک یانس در کتابخانه تربیت در مطبعه فاروس و در
 کتابخانههای معتبر دار الخلاله برای فروش موجود است
 (حسن الحینی الکاشانی)

بلکه بمیان شان اتفاق سلطنتی هم افتاد و مملکت بچند
 حکومتهای کوچک مقسم شد ولی خاج پرست های
 اسامان در مقابل انها اتفاق نموده روز بروز رغبت انها
 بپلم و معارف زیاد شد و در آخر بمناسبت ازدواج
 (فردیناندو وازابلا) تمام امارتهای اسپانیول متفق عده
 در سال ۸۹۸ هجری غرناطه را ضبط کرده ختام بدولت
 اندلس دادند واعرابی که در اسپانیول بودند بازور و
 چبر مجبور بقبول خاج پرستی گردند و ما بقی آنها را
 با ظلمهای شدید هجرت بافریکای شمالی دادند که در
 آن زمان اولاد (بنی وائس) دولتی تشکیل نموده
 بودند - بعد از هجرت اعراب اندلس بمغرب اقصی
 مسلمانهای آن سامان از مهاجرین تازه متنبه شده وعقل
 خود را بجمع کرده بودند لزوم اتفاق و اتحاد
 را فهمیده بودند میوه این اتحاد ود که در زمان حکومت
 (درعویها) سدی بروی خاج پرست های اسپانیول و
 پورتقال کشیدند چون بهداز طرد مسلمانهای شبه جزیره
 اسپانیول (سباستیان) یادعاه پورتقال در سال ۹۸۹
 هجری بهعساکر زیاد (بمغرب اقصی هجوم کردولی
 در قصبه (انقصر الکبیر) مغلوب شد و حتی خود
 (سباستیان) در دست اعراب اسیر شد نتیجه همین مغلوبیت
 بود که خاج پرستهای فرنگستان مدت زیادی اهالی
 مغرب اقصی را راحت گذاشته بکار انها مداخله نمیکردند
 در مغرب اقصی سلطنت چندین دهه تغییر و تبدیل یافته
 نهایت بدست سلالة حالیه که عیارت از (فلاویه) باعد
 رسید جد اکبر این سلاله مولی علی نامیست که از
 حجاز بمغرب اقصی هجرت نمود ابتدا مملکت اینها
 خیلی موفقیت پیدا کرده حتی (مولی اسمعیل) از دست
 انگلیسها شهر (طنجه و عریش) را گرفت و در داخل
 مملکت نایل بانثار عمران و ترقی زیاد شده بود بهداز
 اقراض دولت اندلس مغربها هیچ این دوره ترقی را
 ندیده بودند و نه در آخر دیدند بهداز وفات مولی اسمعیل
 اهالی این مملکت باسلالة فلا لیه دوباره رو بدنی گذاشتند
 مولی سید محمد در سال ۱۲۷۷ هجری در محاربه
 اسپانیول مغلوب شد و برای تخلیه شهر (تروانی) که
 از طرف اسپانیولها ضبط عده بود صد میلیون فرانک
 تضمینات داده امضای معاهده تجارنی بککه خیلی مضر
 بحال مغرب اقصی بود کرد از آثار این معاهده است که
 دست فرنگیها در امورات دولتی مغرب اقصی بدر شد
 و تا امروز باعث هیجان قیایل وعشایر وسبب اختلال و
 عصیان در باین حال اگر مفاهت عبد العزیز سلطان
 خلیفه مغرب اقصی را علاوه کنیم ماهیت واقعه فزا بلا نته
 معین میشود (سلطان عبد العزیز از سلالة فلا لیه سلطان